



لحظه‌های امن و آرام

• زهرا عراقی

تا تو هستی توی این خاک
می‌توان آرام خوابید
شادی و لبخند را هم
می‌شود هر گوشه‌اش دید

مثل موجی پر خروشی
مثل رعدی، مثل طوفان
در لطافت، مهربانی
همنشین ابر و باران

لحظه‌های امن و آرام
می‌دهد از تو نشانی
پر غرور و استواری
یک پلیس قهرمانی

در خیابان‌های شهرم
ردّ مهرت خوب پیدا است
زیر چتر امن و پاکت
رویش گل‌ها چه زیباست



• تصویرگر: نگین حسین زاده

ماه و مادر

هر دو مثل همکار
ماه و مادر من
با وجود آن هاست
شب همیشه روشن

من مریض مادر
شب مریض ماه است
رنگ من سفید است
رنگ شب سیاه است

ماه و مادر من
نیمه شب سر کار
ماه و مادر من
هر دو تا پرستار

• غلامرضا بکتاش

رهایی

هم درخت
با سکوت روشنش
هم نسیم
موقع عبور
هم ستاره های دور
وقت سر زدن
با من از تو گفته اند
هر نفس
نام تو
بال می دهد به من
می رهاندم از این قفس

• مریم زرنشان

لحظه های زندگی

پاییز فصل خوبی ست
هر چند بی قرار است
من دوست دارم او را
چون خواهر بهار است

مثل بهار سرشار
از لحظه های رنگی ست
شاداب و باطراوت
لبریز از قشنگی ست

هو هو صدای باد است
پیچیده در تن او
نارنجی اند و زردند
گل های دامن او

او یک کتاب زیباست
با درس های تازه
هر بار می رسد با
یک ماجرای تازه

• اکرم السادات هاشمی پور

قنک خوب خرا

قد تو خیلی بلند است
می رسی تا آسمان ها
مثل دریا، حفظ هستی
شعر خیس ابرها را

می رسد مهمان برایت
دانه دانه، نرم نرمک
برف می بارد به رویت
مثل پنبه، گرد و کوچک

قلک خوب خدایی
سکه های برف داری
فصل گرما، با درختان
چشمه چشمه، حرف داری

کوه جان! تو بی نظیری
محکم و زیبا و ساده
تو همان کوه بلندی
که همیشه ایستاده

• فاطمه غلامی

